

وقتی دولت تنظیم بازار راها کرده، چرا اقدام شهرداری باید تخریب شود؟

عصبانیت اصلاح طلبان از طرح معیشتی شهرداری

مخالفت سیاسی با شهرداری نباید به مخالفت با هر اقدام مفید برای مردم تبدیل شود

از «نمی‌شود» تا «چرا شد؟»؛ واکاوی علت حمله وفاق‌یون به طرح معیشتی شهرداری

اگر طرح معیشتی شهرداری بد است، منتقدان می‌توانند طرح بهتر و کم‌هزینه‌تر ارائه کنند

دولت با وجود این همه ابزار، برای کاهش فشار هزینه‌ای مردم چه کرده است و چرا حامیان پزشک‌ها به طرح معیشتی شهرداری حمله می‌کنند؟



مشخص شود که اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی چه می‌گویند و مصونیت نماینده در دوران مسئولیت چگونه است. نزدیک به ۵۰ سال از عمر مجلس می‌گذرد، سابقه نداشته است که چنین اتفاقی رخ دهد.

صباغیان گفت: چند سال قبل، بعد از پایان دوره نمایندگی، فردی را زندانی می‌کردند، اما اکنون در زمان مسئولیت نمایندگی، فرد را زندانی کرده‌اند و ما نیز دور هم نشستیم و حرفی نمی‌زنیم؛ این کجایش می‌تواند درست باشد؟

وی با بیان اینکه این موضوع می‌تواند جایگاه مجلس را تنزل دهد، تصریح کرد: بعداً مجلس چه پاسخی باید به مردم بدهد؟ این مسئله جایگاه مجلس را تنزل می‌دهد و باید به درستی در جامعه شفاف شود.

اعتراض به بازداشت رسایی باشکایت قالیباف

نماینده مردم مهریز در مجلس با استناد به اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی نسبت به بازداشت حمید رسایی در زمان مسئولیت نمایندگی تذکر داد و خواستار شفاف‌سازی درباره وضعیت مصونیت نمایندگان شد.

محمد رضا صباغیان با فاقی در جلسه علنی یکشنبه (۱۲ مهر) مجلس شورای اسلامی طی خطاری با استناد به اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی، گفت: یک نماینده اکنون در زندان است و در فضای عمومی نیز این موضوع مطرح می‌شود که آیا ایشان مصونیت دارد یا ندارد؟ شاکي نیز حالا یا رئیس مجلس یا مجلس است که مجلس هم بدون اجازه رئیس این کار را انجام نمی‌دهد. باید درباره اینکه چطور چنین اتفاقی افتاده و مشکل چه بوده است، شفاف‌سازی شود.

صباغیان با بیان اینکه مجلس نباید به سمتی برود که به یک «مجلس بله‌قربان‌گو» تبدیل شود، خطاب به حاجی بابایی گفت: آقای حاجی بابایی، نگاه نکنید که امروز یک فرد نماینده ۹۰ میلیون نفر است و طبق قانون اساسی به راحتی به زندان می‌رود و ما داریم کار خودمان را انجام می‌دهیم؛ مثل تیریز که در زمانی که شیخ محمد خیابانی را اعدام می‌کردند، در میدان‌ها مردم مشغول برگزاری هیئت‌های عزاداری بودند.

این نماینده مجلس تأکید کرد: این موضوع باید برای مردم روشن شود و برای ما نیز

انتقاد مجلس به ارزیابی همتی



نمایندگان مجلس در جلسه علنی دیروز به سیاست ارزی بانک مرکزی و عرضه ۱۰ هزار دلار به هرفرد بالای ۱۸ سال اعتراض کردند و خواستار توقف این طرح شدند.

مهدی کوچک‌زاده، نماینده تهران، با انتقاد شدید از این تصمیم گفت: در شرایط کمبود منابع ارزی، اختصاص ۱۰ هزار دلار به هرفرد، منابع کشور را به سمت دلان و افراد برخوردار سوق می‌دهد. وی با اشاره به هزینه حدود ۲۰۵ میلیارد تومان برای خرید این میزان ارز، پرسید چه تعداد از مردم عادی توانایی خرید آن را دارند و تأکید کرد این سیاست باید فوراً متوقف شود.

محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس، نیز با بیان اینکه خود از طریق رسانه‌ها در جریان این تصمیم قرار گرفته، گفت برای او نیز مشخص نیست بانک مرکزی با چه منطقی چنین سیاستی را اتخاذ کرده است و مجلس موضوع را با جدیت پیگیری خواهد کرد.

محمد علی نقد علی، نماینده خمینی شهر، نیز با انتقاد از «ارزپاشی» دولت گفت که در شرایط

ستاد تنظیم بازار یا ستاد تماشای گرانی



کاهش یافته است. فروش دنا نیز از ۴۱ هزار و ۲۲۹ دستگاه به ۲۹ هزار و ۵۸۲ دستگاه کاهش یافته که افت حدود ۲۸.۴ درصدی را نشان می دهد. با وجود کاهش تعداد فروش، مبلغ فروش دنا از حدود ۲۹۲ هزار و ۵۸۰ میلیارد ریال به ۴۴۵ هزار و ۴۲۱ میلیارد ریال افزایش یافته است. متوسط نرخ فروش دنا نیز از ۷.۰۸ میلیارد ریال به حدود ۱۵.۰۶ میلیارد ریال افزایش یافته است.

هایما: افت بیش از ۸۰ درصدی تولید

ایران خودرو در شش ماهه مشابه سال قبل ۱۰ هزار و ۷۶۲ دستگاه هایما تولید کرده بود اما تولید این محصول در نیمه نخست امسال به فقط ۲ هزار و ۱۰۰ دستگاه رسیده است. به این ترتیب، تولید هایما حدود ۸۰ درصد کاهش یافته است.
تعداد فروش نیز از ۱۰ هزار و ۳۹۰ دستگاه به ۲ هزار و ۵۴۰ دستگاه رسیده که افت حدود ۷۵.۶ درصدی را نشان می دهد.
مبلغ فروش هایما نیز از حدود ۱۲۳ هزار و ۳۸۸ میلیارد ریال به حدود ۵۹ هزار و ۶۳۵ میلیارد ریال کاهش یافته که معادل افت بیش از ۵۵ درصدی است.
در شهریورماه نیز تولید هایما صفر دستگاه و فروش آن فقط ۴۶ دستگاه بوده است.

تارا نیز با افت تولید مواجه شد

تولید تارا در نیمه نخست سال گذشته ۴۰ هزار و ۱۳۴ دستگاه بود که در شش ماهه امسال به ۳۰ هزار و ۵۴۶ دستگاه کاهش یافته است؛
افتی در حدود ۲۳ درصد.
تعداد فروش تارا نیز از ۳۹ هزار و ۳۴۸ دستگاه به ۳۰ هزار و ۵۴۰ دستگاه رسیده و حدود ۲۲.۴ درصد کاهش یافته است.
با وجود افت تیراژ، مبلغ فروش تارا از حدود ۲۸۱ هزار و ۸۷۴ میلیارد ریال به حدود ۴۵۲ هزار و ۴۹۷ میلیارد ریال افزایش یافته است.
متوسط نرخ فروش تارا نیز از ۷.۱۶ میلیارد ریال به حدود ۱۴.۸۵ میلیارد ریال رسیده است.

رانا برخلاف مسیر عمومی شرکت رشد کرد

تولید رانا از ۶ هزار و ۲۶۲ دستگاه در شش ماهه سال گذشته به ۹ هزار و ۸۰۶ دستگاه رسیده که حدود ۵۶.۶ درصد رشد دارد.
فروش این محصول نیز از ۶ هزار و ۲۸۲ دستگاه به ۹ هزار و ۶۹۶ دستگاه افزایش یافته است.
مبلغ فروش رانا هم از حدود ۳۲ هزار و ۹۱۴ میلیارد ریال به بیش از ۱۱۴ هزار و ۸۶ میلیارد ریال رسیده است.

رشد ۶۸.۶ درصدی مبلغ خرید مواد اولیه

کل خرید مواد اولیه ایران خودرو در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۵ به حدود ۲ میلیون و ۴۸۵ هزار میلیارد ریال رسیده؛ در حالی که در مدت مشابه سال گذشته حدود یک میلیون و ۴۷۴ هزار میلیارد ریال بوده است.
بنابراین مبلغ خرید مواد اولیه حدود ۶۸.۶ درصد افزایش یافته؛
نرخي که از رشد ۵۴.۸ درصدی مبلغ فروش شرکت بیشتر است.
خرید مواد اولیه داخلی از حدود یک میلیون و ۳۱۱ هزار میلیارد ریال به حدود ۲ میلیون و ۲۸۵ هزار میلیارد ریال رسیده که معادل رشد حدود ۷۴.۳ درصدی است.
خرید مواد اولیه وارداتی نیز از حدود ۱۶۲ هزار و ۹۹۲ میلیارد ریال به حدود ۷۷۰ میلیارد ریال افزایش یافته و حدود ۲۲.۶ درصد رشد کرده است.



تولید شش ماهه ایران خودرو ۲۲.۷ درصد افت کرد

گزارش

ایران خودرو در نیمه نخست سال ۱۴۰۵ با وجود رشد ۵۴.۸ درصدی مبلغ فروش، با کاهش محسوس تیراژ مواجه شد؛ به‌طوری که تولید داخلی شرکت حدود ۲۲.۷ درصد و تعداد فروش نزدیک به ۲۴ درصد افت کرده و هم‌زمان مبلغ خرید مواد اولیه نیز ۶۸.۶ درصد افزایش یافته است.

تازه‌ترین گزارش فعالیت ماهانه ایران خودرو مربوط به دوره یک‌ماهه منتهی به ۳۱ شهریور ۱۴۰۵ نشان می دهد این شرکت در پایان نیمه نخست سال با دو روند متفاوت مواجه بوده است؛ از یک سو مبلغ فروش شرکت نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته و از سوی دیگر تعداد خودروهای تولید شده و فروخته شده کاهش محسوسی را ثبت کرده است.

مجموع مبلغ فروش ایران خودرو از ابتدای سال مالی تا پایان شهریور ۱۴۰۵ به حدود ۳ میلیون و ۲۸۲ هزار میلیارد ریال رسیده؛ در حالی که این رقم در شش ماهه مشابه سال قبل حدود ۲ میلیون و ۱۲۰ هزار میلیارد ریال بود. بر این اساس، مبلغ فروش شرکت در نیمه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۵۴.۸ درصد افزایش یافته است. ایران خودرو فقط در شهریورماه نیز حدود ۸۲۴ هزار میلیارد ریال فروش ثبت کرده است. از کل فروش شش ماهه، حدود ۳ میلیون و ۲۸۲ هزار میلیارد ریال مربوط به فروش داخلی بوده و فروش صادراتی شرکت نیز حدود ۷ هزار و ۷۶ میلیارد ریال ثبت شده است.

اروپایی‌ها اعتراف کردند:

زمستان برای اروپا تاریک خواهد بود

یادامه تنش‌ها در تنگه هرمز و نزدیک شدن فصل سرد، اروپا خود را در آستانه زمستانی می بیند

که نه فقط با چالش قبض های سنگین گرمایشی، بلکه با نگرانی جدی درباره تأمین سوخت کافی روبه‌روست؛ وضعیتی که کارشناسان آن را یکی از شکننده‌ترین شرایط انرژی این قاره در یک دهه اخیر توصیف می کنند؛ وزیر دفاع بلژیک امروز چهارشنبه به هشدار درباره آینده انرژی این قاره گفته است؛ زمستان برای اروپا تاریک خواهد بود

اغلب رسانه‌ها وقتی از ذخایر گاز اروپا حرف می زنند، به عدد کمبود ۷۰ درصد اشاره می کنند. اما این درصد، مشکل واقعی این پنهان می کند. براساس داده‌های «انجمن زیرساخت گاز اروپا»، در ژوئیه به مدت مشابه سال گذشته، حدود ۱۰.۸ میلیارد مترمکعب گاز از مخازن زیرزمینی نُه کشور اروپایی کم شده است؛ با احتساب اینکه اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۵ به طور میانگین روزانه حدود ۷.۸۹ میلیون مترمکعب گاز وارد می کرد، این مقدار به‌طور متوسط روزی ۱۴ هزار کل واردات خالص خارجی اتحادیه اروپا است.

بنابراین اروپا با ذخیره‌ای وارد زمستان می شود که دو هفته کامل از وارداتش را از دست داده است. تنها آلمان ۴۳.۶۵ میلیون مترمکعب کمبود دارد این رقم نزدیک به ده برابر کل ظرفیت ذخیره‌سازی کرواسی است. «دان یورگنسن»، کمیسر انرژی اتحادیه اروپا هم جمعه گذشته در نامه‌ای به پایتخت‌های کشورهای عضو، سطح ذخایر گاز را «به‌طور غیرعادی پایین» توصیف کرده است.

قیمت‌ها از کنترل خارج شده‌اند؛ از ۳۰ یورو تا ۱۱۰ یورو
واکنش بازار از هر هشدار می مستقیم‌تر است. قیمت پایه گاز هلند «قطب‌نمای قیمت‌گذاری گاز در اروپا در سپتامبر از مرز ۱۰۰ یورو به ازای هر مگاوات‌ساعت عبور کرد و اکنون در محدوده ۷۲ تا ۷۳ یورو قرار دارد. برای مقایسه، میانگین قیمت TTF در سپتامبر ۲۰۲۵ تنها حدود ۳۲ یورو بود. این یعنی قیمتی که صنایع و خانوارهای اروپایی برای گاز می پردازند، در یک سال بیش از ده برابر شده است.

سال گذشته به بیش از ۷۲۵ هزار و ۲۵۳ میلیارد ریال در نیمه نخست امسال رسیده است. متوسط نرخ فروش گروه پژو نیز از ۵.۶۴ میلیارد ریال در دوره مشابه سال قبل به ۱۲.۲۸ میلیارد ریال در شش‌ماهه امسال افزایش یافته است.

سورن: افت نزدیک به ۳۰ درصدی تعداد فروش

تولید گروه سورن از ۷۰ هزار و ۸۰۹ دستگاه در شش ماهه سال گذشته به ۵۲ هزار و ۷۱۷ دستگاه کاهش یافته که معادل افت حدود ۲۵.۶ درصدی است.
تعداد فروش سورن نیز از ۷۰ هزار و ۵۹۳ دستگاه به ۴۹ هزار و ۵۶۸ دستگاه رسیده و حدود ۲۹.۸ درصد کاهش داشته است.
در مقابل مبلغ فروش این گروه از حدود ۳۷۸ هزار و ۹۴۵ میلیارد ریال به حدود ۵۸۱ هزار و ۷۹۷ میلیارد ریال افزایش یافته است.
متوسط نرخ فروش سورن نیز از ۵.۳۷ میلیارد ریال در مدت مشابه سال قبل به ۱۱.۷۴ میلیارد ریال در نیمه نخست امسال رسیده است.

تولید دنا ۲۳ درصد کاهش یافت

تولید دنا از ۴۲ هزار و ۴۵ دستگاه در شش‌ماهه سال قبل به ۳۲ هزار و ۳۱۰ دستگاه رسیده و حدود ۲۳ درصد

پژو: تولید و فروش کمتر، درآمد بیشتر

گروه پژو در شش ماهه نخست امسال ۶۴ هزار و ۵۴۴ دستگاه تولید کرده است؛ در حالی که تولید این گروه در مدت مشابه سال قبل ۸۰ هزار و ۸۸۰ دستگاه بود. تولید پژو بنابراین حدود ۲۰.۲ درصد کاهش داشته است.
تعداد فروش پژو نیز از ۷۵ هزار و ۹۴۳ دستگاه به ۵۹ هزار و ۶۱۰ دستگاه کاهش یافته که معادل افت حدود ۲۲.۲ درصدی است.
با وجود این کاهش، مبلغ فروش پژو از حدود ۲۴۸ هزار و ۶۶۶ میلیارد ریال در شش ماهه

اخبار ۳



جنگ چگونه معماری منابع انسانی بنگاه‌ها را بازتعریف می‌کند؟

ميلاد مفاخري

سياست‌پژوه و کارشناس منابع انسانی

در شرایط جنگ و بی ثباتی اقتصادی، بنگاه‌ها ناچارند میان حفظ نقدینگی، تداوم فعالیت و صیانت از سرمایه انسانی تعادل تازه‌ای ایجاد کنند؛ وضعیتی که می تواند الگوهای سنتی مدیریت منابع انسانی را مختل کند اما هم‌زمان فرصتی برای بازآرایی ساختار سازمانی، حفظ اشتغال و آماده‌سازی بنگاه‌ها برای بازگشت به مسیر رشد فراهم آورد.

در زمانه جنگ، معمولاً اقتصادها در ساحت‌ها و فرم‌های سازمانی خود دچار نوعی گسست در مسیر توسعه سازمانی می شوند. نقاطی که در آن الگوهای تثبیت‌شده تصمیم‌گیری، رفتار سازمانی و تخصیص منابع دچار اختلال شده و به ناچار، بایستی به دنبال بازتعریف این مهم بود. این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که اقتصاد بدون سازمان و بنگاه، اساساً نمی تواند گام‌های توسعه‌ای و وفاقی بردارد.

به تعبیری دیگر، این موضوع در تجربه جنگ اخیر نیز در امتداد همین چارچوب تحلیلی، اثراتی فراتر از حوزه امنیتی داشته و به‌طور مستقیم بر بازار کار، هزینه‌های بنگاه‌ها اقتصادی، قدرت خرید خانوارها و نظام منابع انسانی ایران سایه انداخته است. از این منظر، بحران‌هایی از این دست می‌توانند به افزایش هزینه‌مبادله، تشدید نااطمینانی اقتصادی و اختلال در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری و اشتغال نیز منجر شود.

در چنین شرایطی، چگونگی تبدیل بحران به نقطه آغاز بازآرایی سازوکارهای اقتصادی و همچنین کسب وکارها دارای اهمیت تلقی شده و به‌طور خاص سعی بر این است در این نگاره از نگاه اقتصاد و مدیریت سرمایه انسانی به این بحران و بازآرایی مرتبط با آن پرداخته شود؛ بازآرایی‌ای که باید هم‌زمان با هدف حفظ اشتغال و سرمایه انسانی، به کاهش هزینه‌های ناشی از بی ثباتی، حفظ بهره‌وری و تقویت ظرفیت بازگشت بنگاه‌ها به مسیر رشد اقتصادی توجه کند.

تغییر پارادایم از توسعه محوری به بقا محوری

یکی از پیامدهای شناخته‌شده بحران‌های کلان، تغییر جهت‌گیری سازمان‌ها و بنگاه‌ها از برنامه‌ریزی بلندمدت به تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت و بقا محور است. در شرایط عدم قطعیت، سازمان‌ها -خصوصاً سازمان‌های با پایداری اقتصادی و صنعتی- به‌طور طبیعی وارد فاز مدیریت ریسک‌های قوری می شوند و افق توسعه سرمایه انسانی محدودتر می‌گردد. در ادبیات تاب‌آوری سازمانی، این وضعیت به عنوان واکنش تطبیقی اضطراری شناخته می‌شود که در آن تمرکز از توسعه ظرفیت‌ها به حفظ حداقل عملکرد تغییر می‌کند.

نتیجه این تغییر آن است که منابع انسانی از یک دارایی راهبردی به یک متغیر هزینه‌ای در مدیریت ریسک تبدیل می‌شود؛ تغییری که اگرچه در کوتاه‌مدت اجتناب‌ناپذیر است اما در صورت تداوم، می‌تواند به فرسایش سرمایه انسانی، افزایش هزینه جایگزینی نیرو، کاهش بهره‌وری و تضعیف توان رقابت بنگاه‌ها منجر شود. در واقع، کاهش هزینه نیروی انسانی اگر بدون توجه به بهره‌وری و حفظ دانش سازمانی انجام شود، ممکن است صرفه جویی کوتاه‌مدت ایجاد کند اما هزینه اقتصادی بیشتری در دوره بازگشت به همراه داشته باشد. به عنوان نمونه بر اساس رپورژ Gallup در مقاله منتشرشده در سال ۲۰۲۴ هزینه جایگزینی یک نیروی انسانی در کسب وکارها در شرایط عادی چیزی معادل حقوق چند ماه و چیزی حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد حقوق سالانه افراد خارج شده از کسب وکارها است.

پیامدهای رفتاری و سازمانی بر نیروی کار

در سطح نیروی انسانی، افزایش عدم قطعیت معمولاً با کاهش امنیت روانی شغلی، افت تعهد سازمانی و کاهش تمرکز شغلی همراه است. در چنین فضای، نشانه‌هایی مانند کاهش مشارکت فعال کارکنان، افزایش ترک شغل پنهان و فرسودگی شغلی قابل مشاهده است. پیامد اقتصادی این وضعیت نیز کم‌اهمیت نیست؛ زیرا افت انگیزش و درگیری شغلی می‌تواند به کاهش بهره‌وری نیروی کار، افزایش غیبت و ترک خدمت و در نهایت افزایش هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم بنگاه منجر شود.

ادبیات رفتار سازمانی نیز گویای آن است که این وضعیت نشان دهنده نوعی از تضعیف قرارداد روانی میان کارمند و سازمان خواهد بود؛ قراردادی که بر پایه اعتماد، ثبات و پیش‌بینی پذیری شکل می‌گیرد. نکته مهم این است که این روند نشانه‌ای از کاهش سرمایه اجتماعی درون سازمانی نیز محسوب می‌شود.

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در چنین شرایطی، دولت‌ها و بنگاه‌ها معمولاً به سمت سیاست‌های حفظ اشتغال درون سازمانی حرکت می‌کنند. برای نمونه آلمان در بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ با اجرای گسترده نظام Kurzarbeit (کاهش ساعات کار به جای تعدیل نیرو)، توانست از افزایش شدید بیکاری جلوگیری کند. گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که این سیاست موجب شد کاهش تولید به جای تبدیل به بیکاری، به کاهش ساعات کاری تبدیل شود و ثبات بازار کار حفظ گردد.

چگونه در شرایط بحران می‌توان به نقطه امن رسید؟

در بسیاری از سازمان‌ها، در شرایط بحران، نقش منابع انسانی به‌طور موقت از سطح استراتژیک به سطح عملیاتی و اداری بازمی‌گردد، تمرکز از توسعه سرمایه انسانی به مدیریت فوری نیرو، کنترل هزینه، مدیریت نقدینگی نیروی انسانی و تداوم عملیات منتقل می‌شود. در این مرحله، تصمیم‌گیری درباره استخدام، اضافه‌کاری، جبران خدمات، آموزش و ساختار نیروی انسانی بیش از گذشته تحت تأثیر فشارهای مالی و محدودیت منابع قرار می‌گیرد.

این پدیده که از آن تحت عنوان بازمرکزسازی سازگارشدهای منابع انسانی در شرایط عدم قطعیت شناخته می‌شود و در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه نیز مشاهده شده است، به معنای انتقال دوباره تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلیدی منابع انسانی (مثل جذب، جبران خدمات، ارزیابی عملکرد و توسعه) از واحدهای پرکننده به واحد کارگزینی است. اگرچه این روند معمولاً در شرایطی رخ می‌دهد که عدم قطعیت بالا است و سازمان نیاز به یکپارچگی تصمیم‌ها دارد.

تجربه کشورهای مختلف در بحران کرونا نشان داد که حتی در شرایط شوک شدید، سازمان‌هایی که منابع انسانی را در سطح استراتژیک حفظ کردند، توانستند سریع‌تر به وضعیت پایدار بازگردند؛ به‌ویژه در کشورهایی که سیاست‌های حفظ اشتغال و آموزش هم‌زمان (training during furlough) اجرا شد. برای بنگاه‌ها، این رویکرد به‌معنای تبدیل هزینه منابع انسانی به سرمایه‌گذاری هدفمند بر ظرفیت بازگشت تولید است؛ زیرا حفظ مهارت‌ها و دانش سازمانی، سرعت بازیابی درآمد و بهره‌وری را افزایش می‌دهد.



تغییر مهم در تورم شهریور؛ فشار قیمت‌ها از خوراکي به خدمات منتقل شد

ترکیب افزایش قیمت‌ها در شهریور تغییر کرده و این بار کالاهای غیرخوراکي و خدمات نقش پررنگ‌تری داشتند.

گزارش اخیر مرکز آمار ایران از شاخص قیمت مصرف‌کننده در شهریورماه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد روند افزایش سطح عمومی قیمت‌ها همچنان با شدت بالایی ادامه دارد. تورم ماهانه در این ماه به ۴٫۲ درصد رسیده که ۰٫۸ واحد درصد بیشتر از مردادماه است. هم‌زمان تورم نقطه‌به‌نقطه نیز با همین میزان افزایش به ۸٫۰۸ درصد رسیده و تورم سالانه با رشد ۳۱٫۷ واحد درصدی، ۷۳٫۶ درصد شده است.

این ارقام در نگاه نخست یک پیام روشن دارند: فشار تورمی همچنان بالاست و کاهش معناداری در سطح عمومی قیمت‌ها رخ نداده است. اما اهمیت گزارش شهریور صرفاً در خود عدد تورم نیست؛ بلکه تغییر ترکیب افزایش قیمت‌ها یکی از مهم‌ترین نکات این گزارش محسوب می‌شود.

انتقال فشار تورمی از خوراکي‌ها به کالاهای غیرخوراکي و خدمات
در شهریورماه، تورم ماهانه گروه خوراکي‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات ۲٫۳ درصد بوده، در حالی که کالاهای غیرخوراکي و خدمات تورم ماهانه ۵٫۷ درصدی را ثبت کرده‌اند. بنابراین در مقیاس ماهانه، فشار اصلی افزایش قیمت‌ها از گروه کالاهای غیرخوراکي و خدمات وارد شده است. در میان گروه‌های اصلی، ارتباطات با تورم ماهانه ۱۴٫۷ درصدی در صدر قرار گرفته و حمل‌ونقل نیز تورم ۷٫۹ درصدی داشته است. این وضعیت نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها در شهریور صرفاً به اقلام مصرفی روزمره خانوار محدود نبوده و بخش خدمات و هزینه‌های مرتبط با حمل‌ونقل و ارتباطات نیز سهم بالایی در افزایش هزینه خانوار داشته‌اند. با این حال، اگرچه زمانی‌را از یک‌ماه به یک‌سال تغییر دهیم، تصویری متفاوتی شکل می‌گیرد. تورم نقطه‌به‌نقطه خوراکي‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات به ۱۳۱٫۸ درصد و تورم سالانه این گروه به ۱۰۸٫۸ درصد رسیده است؛ در حالی که تورم نقطه‌به‌نقطه کالاهای غیرخوراکي و خدمات ۷۱٫۹ درصد و تورم سالانه آن‌ها ۵۵٫۳ درصد بوده است.

بنابراین، اگرچه در شهریور شتاب ماهانه افزایش قیمت‌ها بیشتر در غیرخوراکي‌ها و خدمات دیده شده، اما در مقیاس سالانه همچنان خوراکي‌ها مهم‌ترین کانون فشار تورمی هستند.

تورم خوراکي‌ها: مسئله‌ای فراتر از تورم کل
اهمیت این موضوع زمانی بیشتری‌شود که ترکیب هزینه خانوارها را در نظر بگیریم. براساس داده‌های منتشرشده از سوی مرکز آمار، سهم خوراکي‌ها و آشامیدنی‌ها در سبد هزینه ههک‌های پایین بیشتر است؛ به‌طوری‌که ضریب اهمیت خوراکي‌ها برای دهک اول ۴۲٫۴ درصد و برای دهک دوم ۴۲٫۳ درصد است، در حالی‌که این سهم برای دهک دهم به ۲۱٫۶ درصد می‌رسد. از این منظر، تورم ۱۰۸٫۸ درصدی سالانه خوراکي‌ها را نمی‌توان صرفاً در کنار تورم کل ۷۳٫۶ درصدی قرار داد و میانگین گرفت. برای خانوارهایی که بخش بزرگ‌تری از درآمد خود را صرف تأمین کالاهای ضروری می‌کنند، افزایش قیمت خوراکي‌ها اثر مستقیم‌تری بر قدرت خرید دارد.

برخی اقلام نیز افزایش‌های بسیار بالاتری داشته‌اند. تورم سالانه روغن‌ها و چربی‌ها ۱۹۶٫۶ درصد، گوشت قرمز و سفید و فرآورده‌های آن ۱۵۵٫۲ درصد و شیر، پنیر و تخم‌مرغ ۱۱۸٫۷ درصد گزارش شده است.

درنتیجه، حتی در شرایطی که شتاب ماهانه خوراکي‌ها در شهریور نسبت به غیرخوراکي‌ها پایین‌تر بوده، سطح قیمت این گروه نسبت به سال گذشته همچنان فاصله بسیار زیادی گرفته است.

شکاف ۲۲ واحد درصدی تورم میان شهروستاست

یکی دیگر از نکات مهم گزارش شهریور، تفاوت قابل توجه تورم میان خانوارهای شهری و روستایی است. تورم نقطه‌به‌نقطه خانوارهای روستایی به ۱۰۸٫۹ درصد رسیده، در حالی‌که این نرخ برای خانوارهای شهری ۸۶٫۵ درصد بوده است. به بیان دیگر، فاصله تورم نقطه‌ای روستایی و شهری به حدود ۲۲٫۴ واحد درصد رسیده است. تورم ماهانه روستایی نیز ۴۰۵ درصد بوده که اندکی بالاتر از تورم ۴۰۲ درصدی خانوارهای شهری قرار دارد.

این شکاف را باید در کنار ساختار متفاوت هزینه خانوارهای روستایی بررسی کرد. در سال ۱۴۰۴، سهم خوراکي‌ها و دخانیات از کل هزینه سالانه خانوار روستایی ۴۱٫۷ درصد بوده، در حالی‌که این سهم برای خانوار شهری ۲۸٫۳ درصد گزارش شده است. درنتیجه، وزن بالاتر خوراکي‌ها در سبد هزینه خانوارهای روستایی، در کنار تورم بالای این گروه، می‌تواند یکی از عوامل مهم در تفاوت تجربه تورمی میان شهرو روستاست.

چرا تورم ۴۰۲ درصدی ماهانه همچنان عدد مهمی است؟
تورم ماهانه ۴۰۲ درصد شاید در مقایسه با نرخ نقطه‌به‌نقطه ۸۹٫۸ درصدی کوچک به نظر برسد، اما اهمیت آن در تداوم افزایش قیمت‌هاست. تورم ماهانه در واقع سرعت افزایش قیمت‌ها در یک‌ماه را نشان می‌دهد و استمرار نرخ‌های ماهانه بالا باعث می‌شود سطح عمومی قیمت‌ها در طول زمان فاصله بیشتری با گذشته پیدا کند.

از سوی دیگر، افزایش ۰٫۸ واحد درصدی تورم ماهانه نسبت به مراد به معنای این است که در شهریور سرعت رشد قیمت‌ها بیشتر شده است. در مقابل، مرکز آمار در توضیح تورم نقطه‌به‌نقطه اعلام کرده که افزایش ۰٫۸ واحد درصدی این نرخ نسبت به ماه قبل، در مقایسه با روند‌های قبلی می‌تواند نشانه کند شدن شتاب افزایش قیمت‌ها باشد؛ بنابراین نباید صرفاً از افزایش عدد تورم نقطه‌ای نتیجه گرفت که شتاب تورم نیز به همان میزان افزایش یافته است.

تورم بالا، اما بالنگوی متفاوت در بخش‌های مختلف اقتصاد

تصویر شهرومراد درمجموع نشان می‌دهد اقتصاد ایران هم‌زمان با دو مسئله مواجه است: از یک سو سطح قیمت‌ها نسبت به سال گذشته جهش بسیار بزرگی داشته و از سوی دیگر، افزایش قیمت‌ها در ماه جاری در حال گسترش به بخش‌هایی مانند ارتباطات، حمل‌ونقل و سایر خدمات است. این تغییر اهمیت زیادی دارد؛ زیرا در صورتی که افزایش قیمت‌ها از کالاهای خوراکي به خدمات و کالاهای غیرخوراکي سرایت کند، فشار هزینه‌ای خانوار تنها در سبد خوراکي باقی نمی‌ماند و بخش بزرگ‌تری از مخارج خانوار را درگیر می‌کند. از سوی دیگر، بالا بودن تورم خوراکي‌ها و فاصله قابل توجه تورم روستایی و شهری نشان می‌دهد سیاست‌های کنترل تورم صرفاً با تمرکز بر نرخ کل نمی‌تواند تصویر کاملی از فشار اقتصادی واردشده به خانوارها ارائه دهد و ترکیب سبد مصرف، سطح درآمد و محل زندگی نیز در میزان اثرگذاری تورم بر قدرت خرید خانوار اهمیت دارد.

■ دوشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۵ ■ ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۴۸ ■ ۵ October ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۵۷۲

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



شوک دو میلیارد دلاری به بازار ارز؛

تغییر زمین بازی یا تکرار خطا؟

گزارش

بانک مرکزی با عرضه سنگین ۲ میلیارد دلار و ارتقای سقف خرید تا ۱۰ هزار دلار، استراتژی نوینی را برای مهار جهش‌های قیمتی آغاز کرده است.

بازار ارز کشور پس از تجربه یک دوره پرنوسان و رسیدن به ارقام بی‌سابقه، بار دیگر شاهد تغییر رویکرد سیاست‌گذار پولی در شیوه مداخله است. در دور پیشین جهش‌های ارزی، تزریق ۵۰۰ میلیون دلار از سوی بازارساز توانست ترمز صعود قیمت‌ها را بکشد و با ثبت جذب تنها ۲۰ میلیون دلار، عملاً به سندی از ناکارآمدی پیوند میان ابزارهای مداخله و نیازهای واقعی بازار بدل شد. اکنون سیاست‌گذار با ارتقای مقیاس مداخله به ۲ میلیارد دلار و بالا بردن سقف ارز خددماتی تا سقف ۱۰ هزار دلار، به دنبال ارسال پیامی مقتدرانه به معامله‌گران فردایی و جذب حداکثری نقدینگی سرگردان است، هرچند ابعاد این رخداد و پیامدهای آن به ارزیابی دقیق ساختارهای توزیع و علل رفتاری بازیگران اقتصادی نیازمند است.

کالبدشکافی ناکامی پیشین در حوضچه‌های شغل فلد ارزی
تجربه شکست تریزق ۵۰۰ میلیون دلاری و جذب ناچیز ۴ درصدی آن، تصویری غریان از گسست ساختاری میان سامانه‌های رسمی و سازوکار شکل‌گیری قیمت در بازار غیررسمی ارائه داد. در آن مقطع زمانی، بانک مرکزی اسکناس با حواله را درون بسترهایی عرضه کرد که قواعد سفت‌وسخت اداری و محدودیت‌های ثبت سفارش بر آن حاکم بود، حال آنکه جهش اصلی رشد قیمت در کوچه و پس‌کوچه‌های بازار غیررسمی به پیش رانده می‌شد. انگیزه محرک فعالان اقتصادی و عموم خریداران در آن مقطع، تقاضای احتیاطی برای حفظ قدرت خرید دارایی‌ها بود، نیازی که هیچ

راهکارهای عبور از بحران کسری بودجه، مهار چاپ پول و مقابله با رانت

مهار تورم در گرو اصلاح ساختار بودجه، قطع اضافه برداشت بانک‌ها و حذف رانت است تا با توقف موتور چاپ پول، معیشت مردم از بحران ناترازی نجات یابد. مهار تورم در گرو اصلاح ساختار بودجه، قطع اضافه برداشت بانک‌ها و حذف رانت‌های فسادزا است. انباشت مداوم کسری بودجه در کنار ناترازی‌های عمیق ساختاری و شبکه‌گسترده توزیع رانت، اقتصاد کشور را در چرخه‌ای فرساینده از چاپ پول و جهش‌های تورمی پیاپی گرفتار کرده است. بررسی روندهای پولی نشان می‌دهد تا زمانی که ریشه‌های اصلی ناترازی مالی دولت و بی‌انضباطی شبکه بانکی خشکانده نشود، بار سنگین افت ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید همچنان بر دوش اقشار مختلف جامعه سنگینی خواهد کرد. کارشناسان اقتصادی معتقدند خروج پایدار از این بن‌بست پولی، نیازمند اتخاذ

یک بسته سیاستی منسجم شامل جراحی ساختار سند بودجه، اعاده استقلال واقعی به بانک مرکزی، شفاف‌سازی جریان گردش سرمایه و اصلاح مدیریت ناترازی‌ها در بخش‌های فرایوده‌های نظیر انرژی و صندوق‌های بازنشستگی است. **کالبدشکافی کسری بودجه وریشه‌های موتور محرک پایه پولی**
سند بودجه سالانه کشور طی سال‌های اخیر بیش از آنکه برنامه‌ای واقع‌بنیانه درخل و خرج ملی باشد، به فهرستی از آرزوهای مالی بادرآمدهای غیرقابل تحقق وتعهدات هزینه‌ای سنگین بدل شده است. برآوردهایش از حد درآمدهای حاصل از فروش نفت، صادرات وواکداری دارایی‌ها برای سرمایه‌ای در کنار عدم امکان تحقق کامل آن‌ها، شکافی عمیق میان منابع ومصارف ایجاد می‌کند. دولت‌ها در مواجهه با این کسری آشکار و پنهان، درنهایت به استقراض مستقیم یا غیرمستقیم از منابع بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی روی می‌آورند؛ اقدامی که مستقیماً به انبساط پایه پولی و متعاقباً افزایش نقدینگی در جامعه منتهی می‌شود. حمیدرضا نجفی پژوهشگر ارشد حوزه اقتصاد کلان، در این زمینه معتقد است که تداوم گنجاندن ردیف‌های هزینه‌ای غیرمولد در لایوح بودجه، اصلی‌ترین عامل تحمیل بار مالی مزاد بر دوش خزانه است وتا زمانی که بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد واقعی و درآمدهای ملموس مالیاتی پایه‌گذاری نشود، دست‌اندازی به منابع پولی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اصلاح بنیادین بودجه مستلزم غربالگری ردیف‌های کم‌بازده، کاهش بار مالی نهادهای موازی و حرکت به سمت ساختاری است که دخل و خرج آن بر پایه داده‌های شفاف وقابل‌وصول تنظیم شده باشد.

سامندهی شبکه بانکی ونصورت مهار پول بدون پشتوانه
بخش معتناهایی از رشد نقدینگی وناترازی پولی در کشور، ناشی از عملکرد نامنضبط برخی بانک‌های دولتی و خصوصی است که به پشتوانه استقراض بی‌پایان از بانک مرکزی به حیات خود ادامه می‌دهند. تبدیل شدن اضافه برداشت بانک‌ها به خطوط اعتباری بلندمدت، نشان دهنده نقص جدی در سازوکارهای نظارتی و

■ دوشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۵ ■ ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۴۸ ■ ۵ October ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۵۷۲

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



شوک دو میلیارد دلاری به بازار ارز؛

تغییر زمین بازی یا تکرار خطا؟

کانال رسمی در سامانه‌های بانکی برای آن تعریف نشده و متقاضی نگران سقوط ارزش پول ملی، راهی جز پناه بردن به دلالت حاشیه بازار نمی‌یافت.

مهدی رهنما پژوهشگر اقتصاد پول در تحلیل این پدیده براین باور است که رفتار بازارهای دارایی از منطق عرضه و تقاضای مکانیکی خارج از متن تبعیت نمی‌کند. به گفته وی، هنگامی که سیاست‌گذار ارز را در بستری با بروکراسی سنگین و تحت نظارت‌های مالیاتی شدید عرضه می‌کند، عمده فعالان خرد و کلان به دلیل هراس از پیامدهای مالیاتی ودشواری اثبات مصارف، عطای دریافت ارز از ازان‌تر دولتی را به تقاضی می‌بخشند و به همان بازار آزاد گسیل می‌شوند. در دور قبلی، بانک مرکزی تلاش کرد با روش‌های محدودکننده با التهاب مقابله کند، اما درواقعیت امر، تنها به نظاره‌گر جهش نرخ در کانال‌های غیررسمی بدل

گشت، زیرا منابع عرضه شده با نیاز خریدار تطابق اسمی نداشت وبازارساز عملاً پشت‌سدهای بوروکراتیک خود حبس شد. علاوه براین، در دور قبلی انتظارات تورمی به نقطه‌ای از بدبینی رسیده بود که معامله‌گران مداخله، ۵۰۰ میلیون دلاری رانت‌های مانور کوتاه‌مدت ونشانه کمبود ذخایر ارزی تلقی کردند. زمانی که فعالان اقتصادی حس کنند سیاست‌گذار مهمات کافی برای

استمرار حضور در میدان ندارد، حتی تمایلی برای ثبت سفارش نشان نمی‌دهند، زیرا اطمینان دارند فردا روزی قیمت‌ها بالاتر خواهد رفت وتعویق خرید به ضرر آنان تمام خواهد شد. همین چرخه باطل سبب شد تا عرضه نیم میلیارد دلاری بدون خریدار باقی بماند، در حالی که چند متر آن‌سو تر در صرافی‌ها و بازار آزاد، صف‌های طولی برای خرید نقدی تشکیل شده بود و نرخ‌ها رکورد شکنی می‌کردند.

مانور دو میلیارد دلاری وسیگنال دهی سنگین به سفته‌بازان
اقدام جدید بانک مرکزی در ورود با ۲ میلیارد دلار ودبرابر کردن

راهکارهای عبور از بحران کسری بودجه، مهار چاپ پول و مقابله با رانت



چالش ناترازی‌های فرایوده‌های در حوزه انرژی وسندوق‌ها
علاوه بر کسری تراز عملیاتی مندرج در جداول بودجه، ناترازی‌های فراینده در دو بخش کلیدی انرژی وسندوق‌های بازنشستگی، تهدیدی مزمن برای پایداری مالی کشور به‌شمار می‌روند. یارانه‌های پنهان‌گسترده، شدت مصرف انرژی وای پیشگیری از تسعیم بخش برای تولید وانتقال، دولت را ناگزیر به تخصیص منابع هنگفت برای سرویش گذاشتن بر ناکارآمدی‌های شبکه توزیع کرده است. از سوی دیگر، وابستگی روزافزون منابع مستمری صندوق‌های بازنشستگی به منابع عمومی دولت، همرساله سهم بودجه‌های عمرانی وتوسعه‌ای را بلعیده وبر عرق ناترازی می‌افزاید. مدیریت علمی دارایی‌های صندوق‌ها، قطع دخالت‌های غیراقتصادی در جنبش‌هیات‌مدیره بنگاه‌های تابعه واجاری طرح‌های پهنه‌سازی مصرف انرژی در کنار گسترش ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند بار تحمیلی این بخش‌ها بر پایه پولی را تعدیل کنند. این اقدامات نیازمند نگاهی میان‌مدت و بهره‌گیری از توان کارشناسی برای پیشگیری از تعمیق بحران‌های زیرساختی است. بخش قابل توجهی از افت ارزش پول ملی در دوره‌های اخیر، ناشی از شکل‌گیری انتظارات منفی ورفتارهای هیجانی در تبدیل دارایی‌های بانکی به طلا، ارز ومسکن بوده است. زمانی که فعالان اقتصادی و عموم جامعه نسبت به حفظ ارزش دارایی‌های خود اطمینان نداشته باشند، سرعت گردش پول افزایش یافته وتورم شتاب بیشتری می‌گیرد. پیش‌بینی‌پذیر کردن قوانین وبرهیزر از تصمیمات خلق‌الساعه تجاری وگمرکی، از شروط اساسی بازسازی اعتماد عمومی به بازارها به‌شمار می‌رود. در این مسیر، طراحی وعرضه ابزارهای مالی مصون از نظیر اوراق با نرخ بازدهی متناسب با واقعیت‌های اقتصادی، می‌تواند نقدینگی سرگردان را از بازارهای سوداگران‌انه به سمت تأمین مالی طرح‌های تولیدی وعمرانی دارای توجیه اقتصادی هدایت کند. این رویکرد به مرور فشار تقاضای سفته‌بازی بر بازارهای موازی را تخلیه کرده وفضای بانثایی را برای فعالان بخش واقعی اقتصاد فراهم می‌آورد.

به‌شدت فروکش کرده وحداقل در کوتاه‌مدت، از شتاب وتب صعودی نرخ‌ها کاسته می‌شود.

این تغییر جهت نشان‌دهنده هوشمندی مقطعی در تشخیص نوع تقاضا است. بانک مرکزی پذیرفته است که در سطوح قیمتی فعلی، محدودیت‌های گذشته جز سوق دادن افراد موجه به سمت مجاری زیرزمینی دستاوردی نداشته است. بنابراین تسهیل جریان ورود اسکناس وحواله برای پرونده‌های معتبر دانشگاهی، پزشکی و مسافرتی، یک شوک انبساطی نقدینگی در بخش عرضه رسمی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، حضور خریدار معتبر در شعب بانکی باعث می‌شود تا حاشیه بازار آزاد در رکود مقطعی شود، زیرا بخش بزرگی از مشتریان دست‌به‌نقد خود را حداقل برای هفته‌های پیش‌رواز دست خواهد داد وفرصت برای افتادن حباب قیمت مهیا خواهد شد.

معمای آریستراز وبایداری منابع در غیاب اصلاحات کلان

با وجود تمام‌رزمای مانور جدید، نقطه انعطاف اساسی در موفقیت پایداری این برنامه، نحوه مواجهه با وسوسه رانت وشکل‌گیری بازار ثانویه است. اگر فاصله قیمتی ارز عرضه‌شده بنرخ بازار آزاد عمیق باشد، هر فردی با انگیزه‌های مالی به سمت ساخت مدارک صوری برای خروج سرمایه ودستیابی به سود چند صد میلیون تومانی این اختلاف هدايت خواهد شد. تجربه نشان داده است که هرگاه سقف ارزی بالا رفته، مافیای جعل پرونده‌های پزشکی، پذیرش‌های ساختگی از دانشگاه‌های غیرمعتبر وتورهای صوری نیز فعال گشته‌اند تا سهمی از این ارز دولتی برده وبلافاصله آن را در بازار غیررسمی بافروش کنند. مهدی رهنما با اشاره به مخاطرات تداوم این شیوه خاطرنشان می‌سازد که ابزار مداخله ارزی تا زمانی که نتواند تقاضای سفته‌بازی را با ابزارهای جایگزین ریالی مهار کند، شسبیه پیمای آب به حوضچه‌ای سوراخ است.

به اعتقاد وی، سوزاندن ۲ میلیارد دلار از ذخایر نقدپذیر ارزی بدون اینکه متغیرهای بنیادین نظیر رشد نقدینگی، کسری بودجه وزمن وتتش‌های ژئوپلیتیکی حل شده باشند، ریسک بزرگی است. اگر تقاضای اصلی جامعه معطوف به خروج سرمایه یا در امان ماندن از تورم لجام‌گسیخته باشد، حتی ۱۰ هزار دلار هم تسکین موقت است وبه محض اتمام مرحله توزیع، فنر ارزی با قدرتی مضاعف‌رها خواهد شد وبار دیگر شیب صعودی به خود خواهد گرفت.

در چنین فضایی، موفقیت بازارساز در گرو آن است که اولاً سازوکار اعتبارسنجی مدارک متقاضیان را چنان شفاف، دقیق وسریع کند که بدون ایجاد انسداد بوروکراتیک، رانت‌جویان را ناامید سازد وتائیدی نرخ از تخصیصی را در سطحی نزدیک به میانگین بازار تعیین کند تا رانت فسادانگیز به حداقل تقلیل یابد.

از سسوی دیگر هماهنگی تیم اقتصادی دولت در انقباط پولی وکنترل سرعت گردش ریال الزامی است تا ۲ میلیارد دلار تخصیص یافته به هدر نرود وتوان ذخایر کشور را فرایش ندهد. در غیر این صورت، این طرح تنها نقش یک مسکن پرهزینه و کوتاه‌مدت را برای یک بیمار با چرنش مزمن ایفا خواهد کرد.

داستان بورس در اقتصاد تورمی

رشد شاخص بورس در دوره تورمی، لزوماً به معنای افزایش ثروت واقعی سهامداران نیست. تورم در اقتصاد ایران این روزها دیگرک تغییر کوتا‌مدت نیست وبه یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار خانوارها، بنگاه‌ها وسرمایه‌گذاران تبدیل شده است. در چنین شرایطی، بازار سرمایه نیز نمی‌تواند از تحولات تورمی جدا باشد. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها از یک سو، ارزش اسمی دارایی‌ها ودرآمد شرکت‌ها رانتحت تأثیرقرار می‌دهد واز سوی دیگر، انگیزه صاحبان نقدینگی برای تبدیل پول به دارایی را افزایش می‌دهد. در این میان، رشد شاخص بورس در دوره تورمی لزوماً به معنای افزایش ثروت واقعی سهامداران نیست؛ و ممکن است قیمت سهام صرفاً همراه با افزایش قیمت سایر دارایی‌ها رشد کند؛ در حالی که قدرت خرید واقعی سرمایه‌گذار تغییر چندانی نکرده باشد. بنابراین برای ارزیابی عملکرد بورس باید میان «بازده اسمی» وبازده واقعی تفاوت قائل شد.

نقدینگی: فرصت یا تهدید برای بازار سرمایه؟

در این میان یکی از مهم‌ترین نقاط انقباط بورس وتورم، نحوه حرکت نقدینگی است. زمانی که سرمایه‌گذار نسبت به کاهش ارزش پول ملی نگران می‌شود، نگهداری وجه نقد جذابیت کمتری پیدای می‌دهد. در این وضعیت، بخشی از منابع می‌تواند راهی بازارهای ارز، طلا، مسکن، کالا یا سهام شود. بنابراین اگر بازار سرمایه نتواند این منابع را به سمت خرید سهام و ابزارهایی هدایت کند که درنهایت تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی را انجام می‌دهند، بخشی از نقدینگی سرگردان وارد مسیر تولید خواهد شد؛ که در این بین افزایش سرمایه‌ش شرکت‌ها، تأمین سرمایه در گردش وتأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای، نمونه‌هایی از این مسیر هستند. اما، مصرف ورود پول به بورس به معنای مولد شدن آن نیست، و چنانچه نقدینگی تنها مینام معامله‌گران جابه‌جاشود و ازتوسط آن با تأمین مالی واقعی شرکت‌ها ضعیف‌باشد، اثر ضدتورمی بازار سرمایه محدود خواهد بود. در چنین شرایطی، افزایش قیمت دارایی‌های مالی می‌تواند بیشتر انعکاس دهنده انتظارات تورمی باشد تا افزایش ظرفیت واقعی اقتصاد. یکی دیگر از نقاط مهم ارتباط بورس وتورم، نحوه تأمین مالی دولت است؛ جایی که کسری بودجه، در صورتی که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از منابع پولی تأمین شود، می‌تواند به افزایش پایه پولی ونقدینگی ودرنهایت فشار بر سطح عمومی قیمت‌ها منجر شود. بازار سرمایه به این بخش می‌تواند امکان تأمین مالی دولت از طریق انتشار اوراق بدهی را فراهم کند؛ ودر این بین استفاده از اسناد خزانه وسایر اوراق مالی اسلامی، به دولت اجازه می‌دهد بخشی از منابع مورد نیاز خود را از بازار جذب کند وفشار کمتری بر منابع پولی وارد شود. البته اوراق بدهی نیز راه‌حل بدون هزینه نیست؛ چراکه افزایش مستمر بدهی دولت بدون توجه به توان بازپرداخت، صرفاً مسئله کسری را به دوره‌های بعد منتقل می‌کند. بنابراین، استفاده ضدتورمی از بازار بدهی به انضباط مالی ومدیریت پادار بدهی وابسته است.